



صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران

معاونت سیاسی

اداره پژوهش های سیاسی

## گام دوم انقلاب و میراث شهید مطهری

پژوهش  
خبری  
معاونت سیاسی  
صدا و سیما

فرآورده‌های خبری و تولیدات پژوهشی در بخش‌های زیر قابل دسترس است:  
وب سایت خبرگزاری صداوسیما (سرویس پژوهش) <http://www.iribnews.ir>

پژوهش خبری // دکتر مجیدی

- ✓ جامعیت شخصیت و آثار شهید مطهری میراث گرانبغایی برای پاسخ‌گویی به نیازهای گام دوم انقلاب است .
- ✓ با توجه به تفاوت‌های عصر حاضر با دوران مبارزات و حیات علمی شهید مطهری نیازمند مطهری‌های زمانه هستیم.
- ✓ کمتر متفکری همچون شهید مطهری از حیث قدرت علمی و نقادی و اشراف بر موضوعات به مهمترین مسائل فکری زمانه خود پرداخته است .
- ✓ میان الزامات و بایسته‌های انقلاب در بیانیه گام دوم انقلاب و اندیشه‌های شهید مطهری برای بقا و تداوم انقلاب انطباق زیادی وجود دارد.
- ✓ در چهل سال اول انقلاب بار مهم و اصلی گفتمان سازی‌ها و ایدئولوژی پردازشی‌ها و منظومه فکری سازی برای نظام سازی را رهبران انقلاب بر دوش کشیده‌اند و لازم است دیگر بزرگان حوزه و دانشگاه نیز با درک ضرورت‌های انقلاب و میهن اسلامی بیش از گذشته پای در عرصه گفتمان سازی و اندیشه ورزی بگذارند.
- ✓ به باور شهید مطهری پیشگامی روحانیت همان‌گونه که عامل حدوث انقلاب است لازمه بقای انقلاب هم هست لذا بازسازی و تقویت نقش و منزلت روحانیت در گام دوم انقلاب ضروری است
- ✓ رسانه می‌تواند ظرفیت‌های میراث فکری شهید مطهری را در گام دوم انقلاب بازشناسی و به مخاطب جوان که جامعه هدف اصلی بیانیه گام دوم انقلاب است معرفی کند.

ورود به چله دوم انقلاب اسلامی و صدور بیانیه گام دوم به منزله ترسیم خطوط اصلی آرمان‌ها و بایسته‌های انقلاب در گام دوم خود چندین موضوع را پیش می‌کشد. نخست اینکه در گام دوم انقلاب در پرتو این بیانیه و خطوط کلی ارزشی، روشی و کنشی انقلاب اسلامی تا چه حد نیازمند گفتمان سازی و ایدئولوژی پردازی است؟ آیا قوه عاقله انقلاب اسلامی که در گام نخست خود در قامت بزرگانی چون حضرت امام و شهید مطهری، شهید بهشتی و مرحوم طالقانی، دکتر شریعتی و شخصیت‌هایی نظیر رهبر انقلاب هدایت‌گر مسیر انقلاب بودند و به پرسش‌های فراوان مسیر مبارزه، سقوط رژیم ستمشاهی و بنیانگذاری جمهوری اسلامی پاسخ می‌دادند و در مجلس خبرگان قانون اساسی، قانون اساسی را به منزله چارچوب عمل و حاصل این آرمان‌ها و بایسته‌ها به یادگار گذاردند؛ اکنون نیز تا چه میزان می‌توان بر این ذخیره و گنجینه بزرگ همچنان دل خوش داشت و از آن بهره گرفت و تا چه حد نیازمند متفکران و اندیشمندانی هستیم که در تحقق گام دوم در مسیر انقلاب و یا در راه تحقق عینی سند پایه الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت هدایت‌گر مسیر اداره و پیشرفت کشور باشند؟ واقعیت آن است که بار مهم و اصلی این گفتمان سازی‌ها و ایدئولوژی پردازی‌ها و منظومه فکری سازی برای نظام سازی را اکنون رهبر انقلاب بر دوش کشیده و لازم است دیگر بزرگان حوزه و دانشگاه نیز با درک ضرورت‌های انقلاب و میهن اسلامی بیش از گذشته پای در عرصه گفتمان سازی و اندیشه ورزی بگذارند. البته بزرگانی چون آیت‌... جوادی آملی که همچون شهید مطهری از شاگردان امام و مرحوم علامه طباطبایی هستند با اشراف بر علوم مختلف اسلامی و با اتکاء بر دانش وسیع قرآنی و فلسفی؛ برکات فراوانی را نصیب کشور و حوزه‌ها و دانشگاه‌ها کرده و می‌کنند اما با نگاهی به میراث و کارنامه علمی مبارزاتی و اندیشه ورزی شخصیتی بی‌بدیل چون شهید مطهری از یکسو و نیازها و بارهای به زمین مانده از دیگر سو؛ جای خالی افرادی چون ایشان همچنان حس می‌شود.

شهید مطهری از جمله شخصیت‌های کم نظیری است که به عنوان ایدئولوگ و معلم انقلاب شناخته می‌شود. امام خمینی آثار ایشان را بلا استثناء خوب ارزیابی کردند و رهبر انقلاب نیز آثار ایشان را مبنای فکری جمهوری اسلامی خواندند. شهید مطهری به منزله ایدئولوگ چهل سال انقلاب همچنان مبنای فکری جمهوری اسلامی ایران در گام دوم نیز محسوب می‌شود؛ با این حال تغییر مقتضیات زمان و تفاوت فضای جهانی و چالش‌های فرهنگی، فکری و سیاسی نیاز به گفتمان سازی و مواجهه عالمانه با پرسش‌های نسل جوان اهمیت تحرک و همت حوزه‌های علمیه و شخصیت‌های دانشگاهی معتقد به راه و مسیر شهید مطهری را طلب می‌کند. نوشتار حاضر به ظرفیت‌های میراث فکری شهید مطهری برای نسل حاضر و نیز الزامات گفتمان سازی و پاسخ‌گویی به نیازهای

فکری نسل حاضر در گام دوم انقلاب و ضرورت هدایت‌ها و روشننگری‌های مطهری‌های زمانه و بایسته‌های تداوم راه شهید مطهری پرداخته است.

### □ مطهری متفکر زمانه

اگر استاد مطهری از قم به تهران نمی‌آمد جهان شیعه در مجموعه علما و فقهای خود احتمالاً شاهد مرجعی آگاه و فقیهی نواندیش در مجموعه علمای هم عصر استاد مطهری می‌شد اما بی‌شک استاد مطهری با مهاجرت به تهران به شخصیتی تبدیل شد که مرجع فکری دانشگاهیان و معلم انقلاب اسلامی شد. مجموعه آثار این استاد را می‌توان از حیث گستردگی و وسعت و قالب بیانی و مخاطب بی‌نظیر دانست. استاد مطهری دارای ویژگی‌هایی بود که به صورت یک جا در هیچ متفکر دیگری نمی‌توان نظیر آن را یافت. جامعیت شخصیت علمی و احاطه ایشان بر فقه و فلسفه و تاریخ و ادبیات، شناخت نسل جوان و آگاهی از نیازهای زمانه؛ درک نظام مسائل فکری و سیاسی و اجرای پروژه فکری همه جانبه برای پاسخ‌گویی و رفع این مسائل، برخورداری از زبان قابل فهم برای نسل جوان دانشگاهی و غیردانشگاهی، تبلور جامعیت علم حوزوی و دانشگاهی در عین برخورداری از روحیه انقلابی و مبارز، برخورداری از روحیه و توان تشکیلاتی در هدایت و اداره و ریاست شورای انقلاب، پاسخ‌گویی به عموم مسائل و پرسش‌های حوزه‌های فکری و اعتقادی، تفسیری، فلسفی، سیاسی و اقتصادی؛ شهید مطهری را به متفکری چند بعدی و بی‌نظیر تبدیل کرد. برخی از ابعاد شخصیت علمی و مبانی نظری منظومه فکری وی همچنان در گام دوم انقلاب نیز قابلیت کاربردی و توجه را دارد. می‌توان تناسبی میان مسئله‌های فکری نسل جوان و آثار و کتاب‌های شهید مطهری برقرار کرد. درک و شناسایی پرسش‌ها و مسئله‌های فکری و مشکلات اجرایی دوران ما ظرفیت‌ها و توانمندی‌های میراث فکری شهید مطهری و خلاها و کاستی‌هایی که باید پر شود را مشخص خواهد کرد. آیت‌... اراکی معتقد است این شهید بزرگوار تفکر فلسفی را وارد عرصه اجتماع کرد و کلاس درس ایشان، کلاس حل عقده‌های فکری بود؛ یکی از ابتکارات مهم استاد در عرصه فلسفه، بازپردازی مفاهیم فلسفی بود و اولین کسی بود که در این مسیر گام برداشت. به باور اراکی از دیگر ابتکارات شهید مطهری ساده سازی تبیینی و استدلالی مفاهیم فلسفی بود، ایشان در حوزه جهان بینی به مفاهیم جدیدی دست یافته بود.

از دیگر کارهای مهم شهید مطهری کارآمد سازی مفاهیم بود، جهان بینی ایشان می‌تواند مبنا و اساس علم رفتارشناسی قرار گیرد؛ استاد مطهری نقش اساسی در روند تفکر اسلامی و دینی داشت.<sup>۱</sup>

رسول جعفریان معتقد است داشتن میراث حوزوی و دانشگاهی، تسلط داشتن بر کتاب‌های روز را در شهید مطهری بیشتر از همتایان وی می‌توان دید. نکته دیگر علاقه شهید مطهری به تاریخ و ذهن تاریخی است. شهید مطهری

<sup>۱</sup> <https://www.isna.ir/news/۹۸۰۲۱۲۰۶۴۹۴/> <https://www.farhang.gov.ir/fa/news/۴۰۷۰۳۹/>

تاریخ فلسفه غرب را می‌دانست. آشنایی با علوم روز جهان و ارتباط با چهره‌های آکادمیک، ذهنیت فلسفی و مطالعه تاریخ استاد مطهری در مقایسه با دیگر حوزویان و متفکرین اسلامی آن دوره از ویژگی‌های استاد مطهری بود. معرفت‌شناسی و اصول شناخت پایه بحث‌های فلسفی وی را تشکیل می‌دهد و بر فلسفه علم تسلط دارد که این شناخت، قدرت بالای نقد و تحلیل مکاتب و اندیشه‌ها را به استاد مطهری می‌دهد و ما بعد از وی شاهد متفکری به این قدرت نقادی نیستیم. نوع نگاه استاد مطهری به علم و اعتبار آن موجب می‌شود ایشان حوزه علوم تجربی را محدود کند و معتقد است علم در مقابل فلسفه نازل است و تنها ارزش ابزاری و کارکرد در زندگی دارد و بهره‌چندانی از حقیقت نبرده است. هنوز هم می‌توان گفت کسی به نقادی شهید مطهری نداریم آقای مطهری معتقد است که علم ارزش نظری صرف ندارد و به دفاع از فلسفه می‌گوید که حقیقت را به شما می‌دهد ولی علوم تجربی متزلزل و غیر قابل اطمینان است. ولی شهید مطهری ارزش نظری علم را کم می‌داند چرا شهید مطهری اینگونه می‌کند تمام قصه نقد مارکسیسم است که می‌خواستند از علم، دین بسازند ولی اثری که این نقد دارد خیلی مهم است. آیا اینها فقط برای زندگی عملی ما به درد می‌خورند. ارزش نظری علم کم می‌شود ولی خاستگاه فکری آدم دست ما را می‌بندند.<sup>۱</sup>

شهید مطهری که بهترین فیلسوف در دوره خودش بود، به دلیل تعلق به خاستگاه فلسفه اسلامی و تعلق خاطر نسبت به جنبه معرفت‌شناسی و الهیات فلسفه اسلامی با نقش شناخت محور علم زاویه داشت. زیرا معتقد بود جنبه علمی به رقیبی برای دین، فلسفه و الهیات تبدیل شده است. نگاهی به مجموعه آثار شهید مطهری نشان می‌دهد که وی با طرح اندیشه‌های روشنگرانه خود در برابر مسائل و پرسش‌های فکری عصر خود به طور فعالی مواجه شد که می‌توان از این جهت نظام مسائل و اهداف شهید مطهری را در مجموعه کتاب‌ها و سخنرانی‌های استاد دسته‌بندی زیر را به دست داد.

---

<sup>۱</sup> متن سخنرانی استاد رسول جعفریان در پژوهشگاه فرهنگ و ارتباطات

## دسته بندی موضوعی کتاب‌های شهید مطهری<sup>۱</sup>

نظام مسائل و اهداف	آثار و کتاب‌های استاد مطهری
هجمه های تفکر مادی تلاش برای احیای اندیشه دینی مقابله با دین ستیزی تفکر مادی	بخش جهان بینی (۶ جلد مقدمه‌ای بر جهان بینی اسلامی) بخش اصول عقاید (توحید، عدل الهی، نبوت، ختم نبوت، خاتمیت، امامت و رهبری، انسان و سرنوشت، معاد، علل گرایش به مادیگری
معرفی انسان شناسی اسلامی ارائه نظریه فطرت در برابر نظریات الحادی و مادی	بخش انسان‌شناسی (ولاءها و ولایت‌ها، امدادهای غیبی در زندگی بشر، تکامل اجتماعی انسان، نبرد حق و باطل، فطرت)
بازخوانی سیره و زندگانی معصومین به منزله اسوه های زندگی دینی	بخش سیره معصومین و بزرگان (داستان راستان، سیری در سیره نبوی(ص)، سیری در سیره ائمه اطهار علیهم السلام، جاذبه و دافعه علی علیه السلام، حماسه حسینی، سیری در نهج البلاغه، پیامبر امی)
احیای فرهنگ قرآنی	بخش تفسیر (شامل دوره ۱۴ جلدی آشنایی با قرآن)
پاسخ گویی به شبهه نارسایی دین در اداره جامعه و احیای وجه سیاسی اسلام و مقابله با سکولاریسم	بخش سیاسی اجتماعی (اسلام و نیازهای زمان، احیای تفکر اسلامی، جهاد، قیام و انقلاب مهدی علیه السلام، پیرامون جمهوری اسلامی، پیرامون انقلاب اسلامی)
تدوین و معرفی نظام اخلاقی اسلام	بخش اخلاقی تربیتی (آزادی معنوی، تعلیم و تربیت در اسلام، انسان کامل، عرفان حافظ، فلسفه اخلاق)
معرفی نظام اقتصاد اسلامی در تمایز با سوسیالیسم و سرمایه داری	بخش اقتصاد (مسأله ربا و بانک، مسأله بیمه، نظری به نظام اقتصادی اسلام)
بازخوانی تاریخ اسلام و پاسخ گویی به دو گانه هویتی ایرانیّت و اسلامیت	بخش تاریخ (نهضت‌های اسلامی در صد ساله اخیر، خدمات متقابل اسلام و ایران، فلسفه تاریخ)
شناخت و شناسایی حکمت متعالیه به منزله نظام فلسفی مستعد برای مواجهه با فلسفه مدرن	بخش فلسفه (اصول فلسفه و روش رئالیسم، شرح منظومه، مقالات فلسفی، درس‌های اسفار، مسأله شناخت، نقدی بر مارکسیسم)
معرفی جایگاه زنان در جامعه و نگاه اسلام به زنان در عصر حاضر	بخش زنان (نظام حقوق زن در اسلام، مسأله حجاب، پاسخ‌های استاد، اخلاق جنسی)
معرفی علوم اسلامی و راه های شناخت اسلام و غنای معرفت دینی در مقابله با علم زدگی	بخش آشنایی با علوم اسلامی (منطق و فلسفه، فقه و اصول فقه، کلام، عرفان و حکمت عملی)

<sup>۱</sup> <https://www.yjc.ir/fa/news/4448289> <http://www.ion.ir/News/467870>

## □ مواجهه شهید مطهری با دو گانه سنت و تجدد

با کاوش در اندیشه‌های شهید مطهری مشخص می‌شود که ایشان در عین حال که بر اخذ کامل سنت اصیل به شدت پای می‌فشرد و حتی در موارد کثیری رعایت شعائر ظاهری اسلام را نیز بسیار با اهمیت دانسته و بر آن تأکید می‌کرد، در مورد غرب نیز آن را به عنوان یک کل یکپارچه ندیده و سعی بر آن داشتند همچون اکثر اندیشمندان اسلامی غرب را به دو قسمت خوب و بد تقسیم نموده و جنبه‌های خوب آن را استفاده و نکات منفی آن را طرد کنند. شهید مطهری درباره‌ی چهره‌ی مثبت غرب نگاه بسیار خوبی داشته و آن را می‌ستایند، به نظر وی، اسلام دین انصاف و واقع‌بینی است و نسبت به ارزش‌ها و حقوق مردم هر که باشند به دیده احترام می‌نگرد و اگر چیز با ارزش و در خور استفاده از دشمنان اسلام دیده می‌شد، زبان به ستایش می‌گشاید. تمدن غرب برای بشر نوآوری‌هایی در زمینه دانش‌های انسانی و تجربی به ارمغان آورده و دشواری‌هایی را بر طرف کرده است. پاره‌ای از این پیشرفت‌ها نتیجه کار و تلاش آنان است و پاره‌ای از آنها چیزهایی است که غرب با تلاش و پی‌گیری و گاه از راه‌های نادرست از دیگر مکتب‌ها و آیین‌ها و مردمان به‌ویژه از اسلام و مسلمانان گرفته و اینک آنها را به ما می‌فروشد. در نظر وی، تمدن غرب در چهره‌ی یاد شده، یعنی توجه به علم و صنعت و نظم و روحیه آزادی خواهی که ریشه در فرهنگ و سرشت دینی دارد درخور استفاده است و در واقع این مبادله‌ی فرهنگی داد و ستدی است انسانی و به صلاح مسلمانان و تقلیدی صحیح و مشروع علاوه بر مسائل ظاهری غرب، ایشان درباره‌ی مسائل فلسفی و فکری نیز چنین نظری داشته و در اخذ برخی از عوارض مثبت تجدد و کارهای غربیان که آن‌ها را مفید می‌دید، درنگ نمی‌کرد و گاه غربیان را به خاطر برخی از این مسائل می‌ستود. اما آنچه استاد نگران آن بود چهره پنهان مدنیت غرب بود. غرب در این جایگاه برخلاف چهره‌ی علمی و صنعتی همواره در صدد بوده خود را بر دیگران بار کند و به فرهنگ و آداب خود، جلوه حق داده و فرهنگ‌ها و اندیشه‌هایی که با او همسو نشوند از جلو راه بردارد، و جهان شمولی را استوار سازد. غرب استعمارگر با برنامه‌ریزی و تبلیغ گسترده و با شگردهای ویژه‌ای که دارد چنان در ذهن‌ها و اندیشه‌ها جا انداخته که هرچه برای بشر نیک و به صلاح است، همان است که غرب می‌پسندد و دیگر مکتب‌ها و فرهنگ‌ها و آداب و آیین‌ها را بر سر راه می‌داند و برای تمدن را ندارند. به طور اجمال می‌توان گفت که استاد مطهری هیچ‌گاه از چهره منفی غرب غفلت نکرده است. دین ستیزی غرب، نسبت اخلاقی دو نقد اساسی استاد مطهری به غرب بود.

## □ استاد مطهری و سیاست

استاد مطهری به‌طور دقیق در اثر آگاهی از مسائل و مشکلات جاری جامعه به طرح یکی از مسایل عمده فرهنگی «آسیب‌های فرهنگی» و «فرهنگ‌سازی» پرداخته است. او با طرح مشکلات جاری به فهم آسیب‌های فرهنگی رسیده است. از نظر او چندین مشکل اساسی در جامعه وجود داشته است. ۱- تعارض بین ملیت و دین. ۲- رشد و توسعه

اندیشه مادگیری در ایران و جهان. ۳- عدم تمایل قشر جوان به دین. ۴- طرح تعارض بین علم و دین. ۵- طرح شبهاتی در هویت تاریخی، ملی و دینی جامعه.

استاد مطهری برای دست‌یابی به پاسخ مناسب برای هر یک از سؤالات فوق به بحث و گفتگو، سخنرانی و تألیف پرداخته است. پاسخ‌هایی که در مجموع؛ شاکله ایدئولوژی انقلاب اسلامی را معین می‌کند. در توصیف ایدئولوژی انقلابی شهید مطهری می‌توان گفت استاد شهید در نقد جامعه موجود دوره پهلوی به بیان عللی همچون استبداد، استعمار، دور نگه داشتن دین از سیاست، تلاش برای بازگشت به دوره قبل از اسلام، بی‌عدالتی، تسلط عنصر غیرمسلمان بر مسلمان پرداخته است. در نقش ارزشیابی در معیار و ملاک‌های ارزشی، معیارهایی چون صالح بودن، برابری، آزادی، حکومت ایده‌آل، پاسخگویی به مسائل در تمام زمان‌ها، عدم جدایی اقتصاد از دین، پیوند دین و ایدئولوژی و هویت است؛ به علاوه معیار معنویت‌گرایی، حضور روحانی، تقلید آگاهانه از غرب، تمدن‌گرایی، وجود حزب، امر به معروف و نهی از منکر قابل توجه است. در جهت‌دهی در توضیح جامعه آرمانی جامعه سالم، آزادی فکری، آزادی فردی، عدم آزادی جنسی، هویت اسلامی، پاسخگویی اسلام در تمام زمان‌ها، امر به معروف و نهی از منکر، در نقش برنامه‌ریزی برای نیل به اهداف انقلاب؛ نقش مساجد، عزاداری‌های اهل بیت و آشکار سازی ظلم اسرائیل و مظلومیت فلسطین نظر داشته‌اند.<sup>۱</sup>

## □ اسلام و مقتضیات زمان

شهید مطهری راه‌کارهای مختلفی را که دین اسلام برای تطبیق با مقتضیات عصر پیش‌بینی کرده است، بر شمرده است. یکی از مهم‌ترین این راهکارها اجتهاد است. از نظر او اجتهاد یکی از مهم‌ترین راه‌هایی است که برای کشف قوانین متحول در فقه اسلامی تهیه شده است. در عین حال خود اجتهاد یک مفهوم نسبی و متکامل است که در هر عصری بینش و درک مخصوصی ایجاب می‌کند. شهید مطهری این نسبت را ناشی از دو امر می‌داند: قابلیت و استعداد پایان‌ناپذیر منابع اسلامی برای کشف و تحقیق و دیگری تکامل طبیعی علوم و افکار بشری.

راه دیگری که شهید مطهری برای تطبیق اسلام با مقتضیات زمان مطرح می‌کند عقل است. مطهری به عقل به عنوان یکی از منابع اساسی شیعه تأکید بسیار دارد. او به این عقل نیاز دارد تا تشخیص مقتضیات زمانه و

---

<sup>۱</sup> - فاطمه جواهری "مقایسه ایدئولوژی انقلابی شهید مطهری و دکتر شریعتی" پایان نامه کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی انقلاب اسلامی، دانشگاه شاهد، دانشکده علوم انسانی ۱۳۹۴



احتیاجات واقعی بشر را در هر عصر و زمانی به عهده او بگذارد و مسئله اجتماعی روزگارش را حل کند. از سوی دیگر به نظر او بنای احکام بر مصالح و مفاسد واقعی است و این امر نیز به پیوند عقل و دین مرتبط است.

### □ شهید مطهری برای گام دوم انقلاب چه سخنی دارد؟

پرسش‌های عقیدتی بشر همواره تکرار می‌شوند از این جهت بسیاری از آثار شهید مطهری در گام دوم انقلاب نیز قابل بهره برداری است. اگر بار دیگر به آثار شهید مطهری رجوع کنیم خواهیم دید در حوزه مبانی و نظام عقیدتی، پرسش‌های اساسی در حوزه نسبت دین با جامعه و حکومت و نیز مسائل اساسی مانند روبرویی با تجدد و تمدن جدید، نسبت اسلامیت با ایرانیت، مسئله زنان، همچنان دیدگاه شهید مطهری راهگشاست. نگاهی به محورها و مفاهیم کلیدی مندرج در بیانیه گام دوم انقلاب و ارزش‌ها و شعارهای انقلاب اسلامی از جمله استقلال، آزادی، عدالت، معنویت؛ در آثار شهید مطهری به نحو مستدل و برهانی مطرح شده است که البته در صحنه عمل و تحقق این ارزش‌ها و اهداف هنوز موفقیت کامل حاصل نشده است. در بهره‌گیری از میراث شهید مطهری در گام دوم به طور مثال می‌توان به شروط بقای انقلاب از دیدگاه شهید مطهری پرداخت که هنوز زنده و گویا و قابل توجه است:

### □ شروط لازم برای بقای دستاوردهای انقلاب اسلامی

**الف-** با پیروز شدن انقلاب تازه مرحله سازندگی آغاز می‌شود و در این مرحله است که باید بگوئیم به آرمانها و اهداف انقلاب جامه عمل بپوشانیم. شهید مطهری در مجموعه نطق‌های خود در مسجد فرشته تهران سه رکن برای تداوم انقلاب برشمرده است:

۱ - عدالت اجتماعی: برداشته‌ها درباره عدالت اجتماعی متفاوت است. در یک برداشت جامعه‌محور و اجتماعی محض، بدون در نظر گرفتن اختلاف افراد در میزان کار و تخصص، همه افراد باید سهم برابر از درآمد داشته باشند. «از دید این دسته همه افراد در واقع نوعی جیره‌بندی می‌شوند. همه باید به اندازه استعدادشان کار کنند ولی هر کس به اندازه احتیاجش باید درآمد داشته باشد... این برداشت از عدالت اجتماعی، اجتماعی محض است؛ یعنی فقط روی جامعه فکر می‌کند برای فرد فکر نمی‌کند. فرد در این بینش اصالتی ندارد. فقط جامعه وجود دارد؛ جامعه کار می‌کند و جامعه باید خرج کند»<sup>۱</sup>.

در برداشت دوم آنچه اصالت دارد آزادی و استقلال فعالیت‌های اقتصادی افراد است. هر کس می‌تواند با تلاش و

<sup>۱</sup> مطهری مرتضی، پیرامون انقلاب اسلامی (تهران: صدرا)، ۱۳۷۱ ص ۱۵۰

فعالیت به هر اندازه که بخواهد کسب درآمد کند بدون آنکه نحوه معیشت و فقر و گرسنگی دیگران تکلیفی برای آنها پدید آورد. در این برداشت عدالت اجتماعی را دولت با اجرای سیستم مالیاتی و هزینه آن در بخش عمومی و تأمین اجتماعی برقرار می‌سازد و تا اندازه‌ای رفاه طبقات محروم را تأمین می‌کند.

در این دو برداشت "میان دو مسأله مهم، یعنی عدالت اجتماعی از یک سو و آزادی فرد از سوی دیگر تناقضی به وجود می‌آید. البته اینجا منظور آزادی فعالیت اقتصادی همراه با آزادی عملکرد سیاسی است. اگر بنا شود عدالت اجتماعی آن‌گونه باشد که در آن فقط جمع مطرح باشد و بس، آزادی فرد را لاقط در بخشی از آن باید مدفون تلقی کرد و اگر آزادی اقتصادی بخواهد محفوظ بماند، دیگر عدالت اجتماعی با مفهومی که گروه اول انتظار دارد عملی نخواهد بود.<sup>۱</sup>

شهید مطهری سپس در تبیین عدالت اجتماعی از دیدگاه انقلاب اسلامی چنین می‌گوید: «در دنیای امروز گرایش به یک حالت حد وسط پیدا شده است، شاید به تقریب بتوان گفت در این زمینه در کنار دو دنیای کمونیزم و کاپیتالیزم دنیای سومی در شرف تولد است که می‌توان آن را نوعی سوسیالیزم نامید. این گرایش تازه می‌خواهد آزادی افراد را محفوظ نگه دارد و از این رو مالکیت خصوصی را در حد معقولی می‌پذیرد و هر مالکیتی را مساوی با استثمار نمی‌داند و حتی می‌گوید عدالت اجتماعی در شکل اول خودش نوعی ظلم است؛ زیرا از آنجا که محصول کار هر کس به خودش تعلق دارد، وقتی بیایند به زور نیمی از محصول یک فرد را ولو به دلیل اینکه خرج دیگری بیشتر است از او بگیرند این امر خود عین بی‌عدالتی است. استثمار در هر شکلش غلط است... سرمایه‌داری از آن جهت محکوم است که در بطن خود استثمار را پرورش می‌دهد. سرمایه‌داری تمام بهره‌ها را به سرمایه اختصاص می‌دهد و این امر ایجاد نابرابری می‌کند.

به این ترتیب شعار این گرایش جدید این است که بیایید راهی اتخاذ کنیم تا بتوانیم جلو استثمار را به کلی بگیریم بدون اینکه شخصیت، اراده و آزادی افراد را لگدکوب کرده باشیم. کوشش کنیم انسان‌ها به حکم انسانیت، به حکم معنویت و شرافت روحی و درد انسان داشتن، خود مازاد مخارج خود را به برادران نیازمندان تقدیم کنند، نه اینکه دارایشان را به زور از آنها بگیریم و به دیگران بدهیم. این اندیشه که تعبیر غربی آن سوسیالیزم اخلاق است، چیزی است که اسلام همیشه در پی تحقق آن است؛ اما بر خلاف مکاتب غربی راه‌های عملی رسیدن به آن و نیز شیوه استقرار آن را در جامعه به دقت مشخص و معلوم کرده است.<sup>۲</sup>

<sup>۱</sup> همان

<sup>۲</sup> مطهری مرتضی، پیرامون انقلاب اسلامی (تهران: صدرا)، ۱۳۷۱ ص ۱۵۲

« اسلام طرفدار این است که زندگی‌ها برادروار باشند، نه اینکه به زور قانون بگوییم تو حق نداری و یا اینکه بگوییم همه باید از دولت جیره بخورند؛ یعنی نظیر وضعی که در کشورهای کمونیستی برقرار است که همه حقوق بگیر و مزدور دولت هستند. باید اشتراک در زندگی مادی ناشی از شرکت روحی مردم باشد.»<sup>۱</sup>

به عقیده شهید مطهری، اسلام معنویت را جزء لاینفک عدالت اجتماعی و پایه و اساس همه چیز می‌داند و تنها راه گسترش عدالت اجتماعی در جامعه، بسط و تقویت معنویت در میان مردم است. در این انقلاب اساس کار بر اخوت اسلامی باید بنا نهاده شود؛ یعنی آنچه را دیگران با خشونت و فشار تأمین می‌کنند، در این انقلاب باید با ملامت و از روی میل و رضا و برادری انجام گیرد.»<sup>۲</sup>

عدالت از مقوله امور اخلاقی و فطری است که همگان به خیر بودن آن اذعان دارند، ولی هنگامی که با منافع شخصی و طبقاتی تعارض پیدا کند معمولاً زیر پا گذاشته می‌شود و قربانی مصلحت‌اندیشی و مجامله‌گری فرد یا گروه ذی‌نفع می‌شود. عدالت با پایبندی مسئولان نظام اسلامی به آن و یکسان‌نگری به همه افراد بدون مصلحت‌اندیشی و ملاحظه‌کاری، در ارکان جامعه رسوخ می‌کند. عدالت از اموری است که از بالا به پایین نفوذ می‌کند و اگر در سطوح بالایی ساختار حکومت اجرا نشود، فساد همه طبقات را در بر خواهد گرفت.

۲ - استقلال و آزادی: استقلال و آزادی دو خواسته مهم مردم ایران در مبارزات انقلابی بود و رهبر انقلاب نیز این دو مقوله را مورد تأکید قرار می‌دادند. استقلال عامل هویت بخش یک جامعه و ملت است و اگر در کشوری حکومتی فاقد استقلال سیاسی، اقتصادی و فرهنگی برقرار باشد و دولت بدون توجه به پایه‌های اصیل فرهنگی مردم، از نظر سیاسی و فکری وابسته به بیگانه باشد، به تدریج پایگاه مردمی خویش را از دست می‌دهد ضمن آنکه وابستگی موجب خواهد شد منافع بیگانه بر مصالح ملی مقدم داشته شود.

شهید مطهری پایه و اساس وابستگی سیاسی و اقتصادی را استعمار فرهنگی بر می‌شمرد و آن دو را تابع و پیامد وابستگی فرهنگی و فکری می‌داند: «مگر ممکن است ملتی را از نظر اقتصادی و سیاسی استعمار بکنند بدون آنکه قبلاً او را استعمار فکری کرده باشند؟ برای بهره‌کشی از فرد باید شخصیت فکری او را سلب کنند، او را به آنچه مال خودش است بدبین کنند و در عوض او را شیفته هر آنچه که از ناحیه استعمارگر عرضه می‌شود بسازند.»

«هر ملتی که از خود مکتبی مستقل فکر و رأی داشته باشد و زیر بار مکتب‌های بیگانه نرود، حق حیات دارد و

<sup>۱</sup> همان

<sup>۲</sup> همان ص ۶۰

هر ملتی که مکتب نداشته باشد و بخواهد مکتبش را از بیگانه بگیرد، ناچار تن به بردگی و بندگی بیگانه خواهد داد.

استاد با چنین بینشی به نقد و رد مکاتب فکری رایج آن دوره که یا از لیبرالیسم غربی مایه گرفته بودند و یا از مارکسیسم، می‌پرداخت. او همچنین خطر جریان سومی را که مکتبی التقاطی از اصول کمونیسم و اگزیستانسیالیسم فراهم آورده و حاصل را با مفاهیم و ارزش‌ها و اصطلاحات خاص فرهنگ اسلامی در هم آمیخته بودند و آن را به نام مکتب اسلام ارائه می‌دادند، حس می‌کرد و قاطعانه به رد و افشای آن کمر بسته بود.

استاد شهید در نطق دیگری که پیش از پیروزی انقلاب اسلامی (۲ بهمن ۵۷) ایراد نمود، درباره آزادی اندیشه و ابراز رأی چنین می‌گوید: «من به جوانان و طرفداران اسلام هشدار می‌دهم که خیال نکنند راه حفظ معتقدات اسلامی جلوگیری از ابراز عقیده دیگران است. از اسلام فقط با یک نیرو می‌شود پاسداری کرد و آن علم است و آزادی دادن به افکار مخالف و مواجهه صریح و روشن با آنها.»<sup>۱</sup>

«به اعتقاد من تنها طریق درست برخورد با افکار مخالف همین است و الا اگر جلوی فکر را بخواهیم بگیریم، اسلام و جمهوری اسلامی را شکست داده‌ایم. اما همانطور که توضیح دادم برخورد عقاید غیر از اغوا و اغفال است. اغوا و اغفال یعنی کاری توأم با دروغ، توأم با تبلیغات نادرست انجام‌دادن.»<sup>۲</sup>

در سخنرانی دیگری که تحت عنوان "آزادی عقیده" در حسینیه ارشاد (۱۳۴۸) ایراد کرد می‌گوید: یکی دیگر از مسائلی که بشر در آن باید آزاد باشد، نه از نظر اینکه اصلاً قابل اجبار نیست بلکه از جنبه‌های دیگر، رشد بشر است. بشر اگر بخواهد رشد پیدا کند، باید در کار خودش آزاد باشد. در انتخاب خودش آزاد باشد. بسیاری از مسائل اجتماعی است که اگر سرپرست‌های اجتماع افراد بشر را هدایت و سرپرستی نکنند، گمراه می‌شوند؛ اگر هم بخواهند ولو با حسن نیت (تا چه رسد به اینکه سوء نیت داشته باشند) به بهانه اینکه مردم قابل و لایق نیستند و خودشان نمی‌فهمند، آزادی را از آنها بگیرند، به حساب اینکه مردم خودشان لیاقت ندارند، این مردم تا ابد بی‌لیاقت باقی می‌مانند ... اینها هم یک سلسله مسائل است که اصلاً بشر را باید در این مسائل آزاد گذاشت تا به حد رشد و بلوغ اجتماعی لازم برسد. از جمله اینهاست رشد فکری.»

۳ - رهبری روحانیت: نقش ممتاز روحانیت در رهبری نهضت‌های یکصد ساله اخیر از دید آگاهان پوشیده نیست.

<sup>۱</sup> مطهری مرتضی، پیرامون انقلاب اسلامی (تهران: صدرا، ۱۳۷۱) ص ۱۹

<sup>۲</sup> مطهری مرتضی، پیرامون انقلاب اسلامی (تهران: صدرا، ۱۳۷۱) ص ۶۲

افرادی چون سید جمال‌الدین اسدآبادی در ایجاد رنسانس فکری در میان مسلمانان، میرزای بزرگ‌در قضیه تحریم تنباکو و میرزای کوچک در جهاد علیه انگلیس جایگاه برجسته‌ای دارند. همچنین نقش محرک و هدایتگر روحانیت در انقلاب مشروطه و نیز جنبش ملی کردن صنعت نفت و شاخص‌تر از همه اینها نقش روحانیت مبارز در رهبری انقلاب اسلامی ایران کاملاً واضح است.

در نهضت مشروطه و دیگر حرکت‌های اصلاح‌گرانه صد ساله اخیر، روحانیت پس از به پیروزی رساندن نهضت خود را کنار کشیده و در بنای جدید شرکت نجسته است. به عبارتی روحانیت وظیفه خود را امر به معروف و نهی از منکر می‌دانست و می‌خواست طبقات و قشرهای دیگر عهده‌دار اصلاح امور شوند. این بود که با انحرافات مبارزه می‌کرد، ولی از این مرحله فراتر نمی‌رفت.<sup>۱</sup> از این روست که می‌بینیم مشروطه پس از پیروزی دچار انحراف می‌شود و دیکتاتوری خشن رضاخان با آن برنامه‌های دین‌ستیز جای استبداد قاجار را می‌گیرد.

شهید مطهری علت پیشاهنگ بودن روحانیت در مبارزات مردمی را دو چیز می‌داند: اول ویژگی خاص فرهنگ شیعه که فرهنگی زنده و حرکت‌زا و انقلاب آفرین است؛ دوم اینکه «روحانیت شیعه... از ابتدا اساسش تضاد با قدرت‌های حاکم بوده است. به قول حامد آلگار ... اساس روحانیت شیعه بر انکار حقانیت پادشاه است. روحانیت شیعه از نظر معنوی متکی به خدا و از نظر اجتماعی متکی به مردم است و هیچگاه جزو دولت نبوده است.»<sup>۲</sup> بر خلاف روحانیت اهل سنت که از همان ابتدا وابسته به دستگاه حاکم بوده است و بالاترین مقام رسمی مذهبی اهل سنت را رئیس هیأت حاکمه برمی‌گزیده و به او مشروعیت می‌بخشیده است. «مشخص است که این افراد دیگر نمی‌توانند پایگاه مردمی داشته باشند و نخواهند توانست علیه قدرت حاکم قیام کنند. اما روحانیت شیعه از ابتدا بر اساس بی‌نیازی از قدرت‌های حاکم پایه‌گذاری شد ... در آینده هم باید این ارزش‌ها برای روحانیت محفوظ بمانند... آنها باید در کنار دولت بایستند و آن را ارشاد کنند. آنها باید بر فعالیت دولت نظارت و مراقبت داشته باشند.»<sup>۳</sup>

## □ نتیجه‌گیری

گام دوم انقلاب اسلامی نیازمند واکاوی میراث گام اول و تقویت سازوکارهای تدوین و استحکام منظومه جمهوری اسلامی و میزان تبدیل این منظومه به نظام سازی در عرصه‌ها و ارکان مختلف است. به نظر می‌رسد با این رویکرد میراث شهید مطهری در منظومه فکری جمهوری اسلامی گرانبها و کارگشاست. در جهت تقویت مبانی نظری و

<sup>۱</sup> مطهری مرتضی، پیرامون انقلاب اسلامی (تهران: صدرا)، ۱۳۷۱ ص ۷۸

<sup>۲</sup> همان ص ۱۸۵

<sup>۳</sup> مطهری مرتضی، پیرامون انقلاب اسلامی (تهران: صدرا)، ۱۳۷۱ ص ۱۸۵-۱۸۶

اهداف و شعارها و ارزش‌های انقلاب اسلامی سهم تاثیرگذاری میراث شهید مطهری بیشتر است اما در حوزه نظام سازی نیز راه شهید مطهری و شهید بهشتی و بالاتر از همه راه امام باید تداوم یابد تا در این عرصه نیز چالش‌های نظام جمهوری اسلامی برطرف شده از ظرفیت‌ها و قابلیت‌های ایران اسلامی در جهت رسیدن به تمدن اسلامی بهره گرفته شود. اینجاست که نیازمند مطهری‌های زمانه هستیم تا با تکیه بر مبانی فکری و بنیان‌های نظری دین و توجه به اقتضائات دنیای امروز به نظام سازی پرداخته شود. شاید بتوان گفت تدوین سند پایه الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت و یا تلاش‌هایی که برای تولید علوم انسانی اسلامی صورت گرفته به منزله راه‌های پیش رو و افق‌هایی است که می‌تواند هم ظرفیت‌های میراث فکری شهید مطهری را آشکار کند و هم خلاءها و کاستی‌هایی را که مستلزم تداوم سنت شهید مطهری در عصر حاضر است بازشناساند. با همه ارزش و جایگاه بالایی میراث فکری شهید مطهری اما نظام جمهوری اسلامی از وجود ایشان محروم شد و در ادوار بعدی بسیاری چالش‌ها و مشکلات فراروی انقلاب و جمهوری اسلامی از داخل و خارج کشور بروز یافت که دست تدبیر رهبران انقلاب اکنون بعد از گذشت چهل سال اساس انقلاب و نظام را با وجود همه سختی‌های بی‌سابقه و فشارهای همه جانبه حفظ کرده است که خود به معجزه شبیه است. با این حال همچنان که گذشت تغییر مقتضیات زمان و تفاوت فضای جهانی و چالش‌های فرهنگی، فکری و سیاسی نیاز به گفتمان سازی و مواجهه عالمانه با پرسش‌های نسل جوان اهمیت تحرک و همت حوزه‌های علمیه و شخصیت‌های دانشگاهی معتقد به راه و مسیر شهید مطهری را طلب می‌کند.

اگر در عصر شهید مطهری هجمه فکری مارکسیست‌ها تهدید اصلی فراروی نسل جوان بود در عصر ما لیبرالیسم و استکبار چالش عمده را پیش روی نظام ایجاد کرده‌اند. در چهل سال گذشته با وجود همه تلاش‌های صورت گرفته در عرصه عدالت و آزادی راه نرفته وجود دارد تنوع و انقلاب در ابزارهای رسانه‌ای، تغییر نسل و جوان شدن جمعیت؛ کاهش مرجعیت روحانیت و غرب گرایی در جامعه و آسیب‌ها در برخی مسئولان نظام؛ تداوم سنت شهید مطهری را با دشواری مواجه کرده است. از سوی دیگر برای نظام سازی اقتصادی، نظام سازی فرهنگی و حتی الگوی تربیت و نظام سازی رسانه ای و حتی نظام سازی سیاسی و اداری همچنان نیازمند مطهری‌های زمانه هستیم. از این رو می‌توان با بهره گیری از میراث ۴۰ سال گذشته از جمله کارنامه فکری و سبک علمی شهید مطهری به نیازهای گام دوم انقلاب پاسخ داد. ظرفیت‌های میراث فکری شهید مطهری برای نسل حاضر کم نیست و سبک نقادی، زمان شناسی و زبان شناسی شهید مطهری، قدرت ارتباط کلامی با همه اقشار، شجاعت در مواجهه انقلابی با جریان‌های مخالف و البته اشراف و احاطه کامل بر علوم دینی و رعایت اصل اخلاق و روحیه هدایتگری از جمله الزامات پاسخ‌گویی به نیازهای فکری نسل حاضر در گام دوم انقلاب است. راه شهید مطهری امروز باید

ادامه پیدا کند زیرا برای آن که در گام دوم انقلاب و حرکت به سمت تمدن‌سازی و زمینه‌سازی ظهور موفق داشته باشیم، نیازمند مطهری‌ها و کار جدی و مجاهدت‌های مطهری‌گونه هستیم.<sup>۱</sup>



---

<sup>۱</sup> <https://www.isna.ir/news/۹۸۰۲۱۲۰۶۴۹۴>